

کلمه طيبه

لا اله الا الله

کلید نجات و رستگاری

دکتر احمد حبیان

پژوهشی از بنیاد قرآن استان همدان

PIR

حبیان، احمد، ۱۳۲۴

۳۵۴۳

ک ۴۵ خ /

کلمه طیبه لا اله الا الله کلید نجات و رستگاری /

۱۳۹۲

مؤلف: احمد حبیبان .

همدان: برکت کوثر، ۱۳۹۲ .

۱۷۸ ص.

شابک: ۳-۸۰-۵۸۹۵-۶۰۰-۹۷۸

۱. توحید ۲. خداشناسی - جنبه های قرآنی. الف. عنوان.

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۲



ناشر برگزیده استان همدان

نام کتاب: کلمه طیبه لا اله الا الله کلید نجات و رستگاری

مؤلف: دکتر احمد حبیبان

ناشر: برکت کوثر

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۳-۸۰-۵۸۹۵-۶۰۰-۹۷۸

نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۲

چاپ و صحافی: یوسف

طراحی جلد و صفحه آرایی: کانون تبلیغاتی آپادانا

قیمت: ۵۸۰۰۰ ریال

پژوهشی از بنیاد قرآن استان همدان

نشانی: همدان- چهارراه تختی، انتشارات برکت کوثر

تلفن: ۲۵۳۱۱۷۸ - ۹۰۴۵ ۸۱۵ ۰۹۱۸

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه	۷
الهی‌های اعتقادی	۱۲
الف- تابوها	۱۳
ب- ماناها	۱۳
ج- توت‌ها	۱۳
د- بت‌ها	۱۴
هـ- آنیما	۱۵
و- روح	۱۵
ز- شینتو	۱۶
ح- آئین برهما	۱۷
ط- آتش‌پرستی	۱۸
ی- تثلیث (سه‌گانه پرستی)	۱۸
ک- الهی‌های عرب جاهلی (پیش از اسلام)	۱۹
الهی‌های عاطفی	۲۳
الهی‌های شهوانی	۲۵
الهی‌های مالی	۲۷
الهی‌های تخیلی (هواها، آرزوها)	۳۱
الهی‌های مقامی و ریاست طلبی	۳۶

۴۰	 الهه های زیبایی و قهرمانی
۴۶	 شناخت خداوند متعال
۵۹	 صفات ثبوتی خداوند متعال
۱۱۹	 صفات سلبيه خداوند متعال

www.ketab.ir

مقدمه

کلمه طَیْبَةُ «لا اله الا الله» که در دو بخش نفی و اثبات یعنی: نفی الهه‌ها و اثبات ذات حق تعالی خلاصه می‌شود، مهم‌ترین اصل و پایه اعتقادی یک مؤمن حقیقی برای وصول به حقیقت هستی و کانون وجود یعنی ذات اقدس الهی است. علت این که چرا درک حقیقت این کلمه بر اساس دعوت نبوی یعنی: «قولوا لا اله الا الله تفلحوا» (بگوئید نیست معبودی جز الله تا رستگار شوید) موجب فلاح و سعادت انسان می‌گردد، این است که انسان موجودی است با خصوصیات ویژه خود یعنی: جسمی دارد و روحی. روح که حقیقت و اصل وجود انسان را تشکیل می‌دهد ناچار است برای ادامه حیات خود و رسیدن به کمال از ابزاری بنام جسم یا بدن استفاده کند، لذا برای تدبیر بدن نیاز به گرایش‌ها و قوایی دارد که بخشی از آنها مربوط به اداره و تدبیر بدن می‌باشد، نظیر قوه غضبیّه برای دفاع در برابر خطر حمله دشمن - چه حیوان و چه هم نوع - و قوه شهویه که به وسیله این قوه و گرایش، دو کار انجام می‌دهد: کار تغذیه و عمل تولید مثل. فراسوی این دو قوه سرکش، قوه و نیرویی وجود دارد که بوسیله آن

انسان می‌تواند این دو قوه را در جهت سعادت و کمال رهبری کند و آن قوه «عقل» است. عقل اجازه نمی‌دهد که دو قوه غضبیه و شهویه در جهت انتقام‌جویی ظالمانه و تجاوز به غذا و ناموس دیگران قرار گیرد بلکه قوه غضبیه را در جهت دفاع معقول و قوه شهویه را در مسیر تغذیه سالم و تولید مثل سالم قرار می‌دهد. در کنار عقل قوه دیگری قرار دارد که کارش صورتگری و تصویربرداری از صورتهای گوناگون پیرامون انسان است. این قوه نیز اگر تحت مدیریت عقل قرار بگیرد، مفید و سازنده خواهد بود و گرنه انسان را بر لب پرتگاه شهوت و غضب و اجرای نقشه‌های شیطانی قرار می‌دهد، یعنی انسانی می‌شود که با طغیان قوه خیال سعادت و هدف زندگی را تأمین خواسته‌های دو قوه غضبیه و شهویه می‌داند.

پس تا اینجا حوزه مدیریت روح بر بدن مشخص گردید و اینک لازم است بدانیم که روح برای خودش - قطع نظر از بدن - چه برنامه‌ای دارد؟ هرچند روح توسط بدن به کمال تناسب با بدن نایل می‌شود، لیکن در درون خود قوا و گرایشهایی دارد که حتماً باید به آنها رسیدگی کند و آنها را از قوه به فعل درآورد. این گرایش‌ها

عمدتاً عبارتند از: گرایش به علم و دانستن (دانستن همه چیز)، گرایش به زیبایی، گرایش به ملکات و فضایل اخلاقی، گرایش به دوست داشتن و پرستش خالق خویش. اگر روح انسان با استمداد از نیروی عقل از یک سو و فرستادگان خدا از سوی دیگر بتواند وظیفه خود را در قابل این گرایش ها بخوبی انجام بدهد، البته انسان به کمال شایسته خود که فراتر از کمالات مربوط به جسم است نایل می گردد. بدین توضیح که روح با کمک عقل و وحی - که هر دو سمت پیامبری و رهبری از سوی خدا را دارند - می تواند خود را به بالاترین مرتبه آگاهی و شناخت اسرار خلقت و معرفت نسبت به اسماء و صفات خداوند متعال برساند یا می تواند خود را به زیباترین گلگشت آفرینش یعنی فردوس برین برساند تا زیبایی مطلوب و گمشده خود را در آنجا پیدا کند؛ می تواند خود را به اوج فضایل اخلاقی از قبیل صداقت، عدالت، سخاوت، شجاعت و و ده ها صفت اخلاقی دیگر برساند. یعنی انسانی بشود چون علی ابن ابیطالب (ع) که روح پاکش تجسمی از همه فضایل اخلاقی است؛ و نیز می تواند خود را به آستانه قرب خداوند متعال برساند و به عالی ترین مرتبه معراج روح یعنی مقام

«قاب قوسین او ادنی» نایل گردد و مشمول شعار عارفان شود که:

رسد آدمی بجائی که به جز خدا نبیند

بنگر که تا چه حد است مقام آدمیت

اکنون که انسان و خصوصیات او را به اجمال شناختیم. لازم است این سؤال مطرح شود که: بهترین کار مایه این استکمال و رسیدن به مقام قرب الهی چیست؟ در پاسخ این سؤال از قرآن کریم که کلام الهی است مدد می‌جوئیم که فرمود: همانا ما انسان را نخستین بار از عصاره گلی آفریدیم. سپس نعل او را از نطفه مقرر داشتیم، آن نطفه را در جایگاهی استوار قرار دادیم سپس آن نطفه را از لخته خونی ساختیم، آنگاه آن لخته خون را به صورت پاره گوشتی جویده شده درآوردیم. پس آن قطعه گوشت را استخوان‌هایی چند ساختیم. آنگاه استخوان‌ها را گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفریده دیگر ساختیم (و به او حقیقت انسانی بخشیدیم) پس خداوند بهترین آفرینندگان، پر خیر و برکت است (مؤمنون، آیات ۱۲-۱۴). و در جای دیگر پس بیان طی مراحل خلقت جسمانی می‌فرماید: «و نفخت فیه من روحی». جان کلام در مورد این روح است که در پیکره مادی و جسمانی انسان

دمیده شده است. نکته بسیار حائز اهمیت این است که این روح ذاتاً صبغه و رنگ الهی دارد، پس باید همواره در مسیر حیات خود در بستر ماده، به اصل وجود خود یعنی ذات اقدس حق تعالی اتصال داشته باشد و یک لحظه و آنی از این اتصال و وابستگی غفلت نکند. آنچه که موجب غفلت انسان از خداوند متعال می شود، ظهور الهه ها و معبودهایی است که به ناحق و دروغ خود را به عنوان معبودهای واقعی از طریق قوه خیال و تحریکات شیطان- این دشمن قسم خورده انسان- بر انسان عرضه می کند و راه وصول او به خداوند را می بندد. اینجاست که انسان از این الهه ها و معبودهای راهزن باید به شدت بگریزد و هرگز آنها را به حریم خویش که جایگاه خداوند متعال است راه ندهد. این است معنای «لا اله الا الله» که انسان موظف است با تمام وجود معنای آن را درک کند و عملاً این الهه های دروغین را از صفحه وجود خویش پاک نموده، زمینه را برای استقرار خالق مهربان خویش یعنی «الله» جل جلاله را فراهم سازد که اگر چنین نماید، روحش سراسر خدایی شده و استحقاق ورود به مهمانسرای خداوند متعال یعنی فردوس برین را پیدا می کند و این است معنای سخن

این نوع اعتقاد تنها در قبایل اولیه تعلق ندارد، بلکه ملل متمدن امروز هم به این گرایش خرافی گرفتارند. مثلاً شهر «برن» پایتخت سویس به معنای خرس است (برن = خرس) که زمانی این حیوان، توتم آن قوم بوده است. نقش عقاب در آلمان، فیل در تایلند، شیر در سیلان، درخت سدر در لبنان و... همه دلالت بر توتم پرستی قدیم این اقوام دارد (رک. همان صص ۲۳ و ۲۴)

د- بت‌ها: بت، تمثالی است که به اعتقاد پیروان آن جایگاه و محل قوای فوق طبیعت محسوب می‌شود. به همین جهت آنها معتقدند که بت‌هایشان توانایی آن را دارند که کارهای مافوق طبیعت انجام دهند. بت‌ها یا به صورت انسانند یا حیوان؛ و لذا این بت‌ها را صاحب روح می‌دانند و برایشان غذا می‌آورند و تنشان لباس می‌پوشند و به صورت و بدنشان روغن مالی می‌کنند. این بت‌ها برای معتقدانشان به قدری اهمیت دارد که حتی برایشان انسان قربانی می‌کنند. یعنی در حفرة ای در مقابل بت بنام مسلخ سر او را می‌برند و خونس را به بت می‌پاشند تا بت از آنها راضی باشد. (رک. همان، ص ۲۵)

این اعتقاد شوم امروز هم در بعضی از نقاط جهان به ویژه کشور پهناور هندوستان شیوع دارد. چندی پیش یکی از بت پرستان متعصب هندی با بستن کمربند انفجاری برای خشنودی بت‌هایش به صفوف مسلمانان در مسجد بابری شهر دهلی حمله می‌برد و با منفجر کردن کمربند انفجاری، هم خودش و هم تعداد زیادی از نمازگزاران مسجد را به خاک و خون می‌کشد.

ه- آنیما: آنیما به معنای جان و روان است. آنیما پرستان اعتقاد دارند که همه مظاهر طبیعی قطع نظر از حیوان و انسان و گیاه، دارای روح و جان است. درخت‌ها، کوه‌ها، سنگ‌ها، دریاها، رودخانه‌ها، همه و همه دارای شخصیت و روحند. مثلاً اگر رودخانه‌ای طغیان کند آن را دلیل خشم و نارضایتی رودخانه از مردم آن نواحی دانسته برایش قربانی می‌کنند، برای کوه آتشفشان هم همین‌طور (ر.ک. همان، ص ۲۷)

و- روح: مقصود از روح در باور روح پرستان، جان و روان نیست که بنابر اعتقاد آنیمیست‌ها در همه چیز حضور دارند. بلکه مراد، روح انسانی است که برایش جایگاه ویژه‌ای قائل‌اند. بنابر اعتقاد روح پرستان، روح آدمی عنصری است بسیار لطیف به گونه یک سایه و

شبح که می‌تواند خارج از بدن، همه جا برود حتی از بدنی به بدن دیگر منتقل شود (= تناسخ).

در نزد اقوام ابتدایی، سراسر عالم پر از ارواح پلید و پاکیزه است که باید برای به دست آوردن رضایت ارواح خبیث و جلوگیری از آزار و اذیت آنان، قربانی کرد. آثار این اعتقاد غلط هنوز در بسیاری از اقوام بشری به ویژه مردم اروپا و آمریکا به وفور وجود دارد. (رک. همان، ص ص ۲۹-۳۰)

ز- شیتو: آئین شیتو که به مردم ژاپن اختصاص دارد. در حال حاضر بیش از هفتاد میلیون نفر طرفدار دارد. این آئین صورت های مختلف دارد:

ز-۱- ژاپن، دو خدا به نام های ایدزاناگی (= خدای نر) و ایدزانامی (= خدای ماده) دارد که این دو خدا به کمک هم، مجمع الجزایر ژاپن را خلق کردند و سپس پلی بین زمین و آسمان به صورت قوس قزح بیافریدند. لذا هر ژاپنی مؤمن می‌تواند از این پل عبور کرده به آسمان برود و شاهد زیبایی های آن باشد (رک. همان، ص ۴۹)

ز-۲- خدای دیگر ژاپن، آماترا سوامی کامی، یعنی الهه خورشید است که امپراتوران ژاپنی خود را فرزندان بلا فصل او می دانند. هر کدام از این امپراطورها «میکادو» یعنی فرزند خورشید نامیده می شود. لذا ژاپنی ها- حتی ژاپن امروز- برای امپراطوران خود مقام خدایی قائل اند.

ح- آئین برهما: این آئین به مردم هندوستان تعلق دارد. پیروان این آئین معتقدند که در جهان فقط یک روح مطلق وجود دارد که ابدی و ازلی است. از این گوهر اصلی جهان، سه نیرو به وجود آمد به نام های: برهما، ویشنو، شیوا.

ح-۱- برهما، آفریدگار موجودات است که به صورت انسانی است دارای چهار دست و پا. از دست های خود یک کوزه، یک تسبیح، یک قاشق مقدس و یک نسخه از ودا (کتاب مقدس هندوها) را نگه داشته است.

ح-۲- ویشنو، خدای حافظ موجودات که او هم دارای چهار بازو است. در دست هایش یک صفحه مدور و نوعی صدف و گرز و علوفه قرار دارد.

ح-۳- شیوا، خدای نابود کننده موجودات است که مجسمه اش دارای سه چشم و دست‌های متعدد است. گردن بندی از کاسه سرمردگان برگردن، تیرها و زوین‌هایی در دست. علامت شیوا لینکا با آلت رجولیت است. (همان، صص. ۵۹-۶۰)

ط- آتش پرستی: آتش به عنوان یک عنصر مقدس از قدیم‌الایام مورد توجه مردم ایران بوده است. آتش پرستی از مهم‌ترین مظاهر دین زرتشت است (= آئین تحریف شده زرتشت) هرچند زرتشتیان امروز اظهار می‌کنند که آنها آتش را نمی‌پرستند بلکه آن را نشانی از فروغ ایزدی می‌دانند، لیکن اجرای مراسم و تقدیس فوق‌العاده این عنصر طبیعی چیزی جز پرستش نمی‌تواند باشد.

ی- تثلیث (سه گانه پرستی): مسیحیان عموماً به سه اقنوم (اصل) اعتقاد دارند. اقنوم اول: خداوند آسمان (پدر)، اقنوم دوم: مسیح (خدای پسر) و اقنوم سوم: روح القدس که در رحم مریم قرار گرفت و عیسی مسیح دنیا آمد. (همان، صص ۱۴۳-۱۴۴)